

نقش نظام بین‌الملل حقوق بشر دوستانه در شورش‌های داخلی

رحیم حسین حسینی^۱

چکیده:

حقوق بشر دوستانه مجموعه قواعد بازدارنده و کنترل‌کننده دوران جنگ بوده و در شورش‌های داخلی به صورت معمول حق ورود ندارد. درگیری‌های داخلی خود تابع قوانین و قواعد داخلی کشورها بوده و در موارد نیز تابع نظام بین‌الملل حقوق بشر دانسته می‌شوند ولی؛ آنچه ما به دنبال آن در این تحقیق هستیم استثنائات ورود حقوق بشر دوستانه است که گاهی اوقات قوانین داخلی از قدرت پاسخ‌گویی عاجز مانده و نظام بین‌الملل حقوق بشر نیز ورود پیدا نمی‌کند. پس جهت کنترل، حل بحران و نزاع پیش آمده حقوق بین‌الملل بشر دوستانه استثنا حق ورود پیدا نموده بحران را مدیریت می‌کند که در کشورهای جهان سوم مانند افغانستان این حالت فوق‌العاده مشهود بوده، ولی مصادیق ورود حقوق بشر دوستانه به ندرت قابل دید است.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر دوستانه، شورش‌های داخلی، قوانین داخلی، حقوق بشر و نظام بین‌الملل

^۱ عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و مسئول مرکز تحقیقات علمی دانشگاه زاول.

۱. مقدمه

حقوق بشر دوستانه،^۱ از آنجاکه معلوم می‌شود؛ از زمان که مستندات تاریخی وجود دارد با حاکمیت جنگ بر روابط میان ملت‌ها و قانونی‌بودن جنگ نادیده گرفته شده است. بناً جنگ انسان با انسان یا قومی با قومی دیگر - برخلاف آنچه مؤرخان و محققان تاریخ اندیش می‌پنداشته و می‌پندارند، جزء از قانون طبیعت نیست؛ مگر این‌که ما از دایره زیست انسانی فروآیم که به تعبیر قرآن عظیم‌الشان که انسان را در زیباترین شکل تجسم دادیم و به آن کرامت و شرافت بخشیدیم ولی؛ اگر جایگاه خود را نشناسد و به مراتب انسانی دست نیابد بی‌گمان از جمله پست‌ترین‌هاست. (سوره التین (۹۵): ۴-۶) پس با این تعبیر، انسان برای ویرانی و خلق ناسلامتی‌ها پیدا نشده است، بلکه جهت به زیستی و آبادی به دنیا آمده است. تا از زندگی بدوی و حیوانی نه‌تنها خود بلکه سایر مخلوقات و جنبنده‌های زمینی را در وضعیت بهتری قرار دهد که باین‌حال صلح‌خواهی و سلامت پروری جزء از واقعیت انکارناپذیر زندگانی انسانی شمرده می‌شود (مجموع‌ای نویسندگان، ۱۳۹۶. صص ۳۵-۲۶). پس اگر به آن جایگاه (انسانیت) برسیم، مسئله فرارسیدن باشد تا فروآمدن، آنجاست که جنگ و شورش یک پدیده زشت و نامطلوب است. ولی اگر قاعده برعکس باشد انسان به جایگاه معنوی خویش دست نیابد در این حال نه حقوق جنگ معنا دارد و نه هم حقوق بشر دوستانه. نکته قابل‌توجه اینجاست که آنچه امروز حقوق بشر دوستانه نامیده می‌شود و هدف آن حفظ جان، مال و ناموس

^۱Humanitarian law

^۲ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ... ترجمه: براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم (۴) سپس او را به پست‌ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم (۵) مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند که پاداشی بی‌منت خواهند داشت (۶)

غیرنظامیان و نظامیان با وضعیت‌های خاص است؛ دین اسلام از همان ابتدایی ظهور این نکته‌ها را در نظر داشته و حمایت می‌کند. (علیخانی، ۱۳۸۸، ص. ۴). به‌رحال جنگ یک پدیده اجتماعی است که می‌تواند از زوایای مختلف تاریخی، جامعه‌شناسی، فلسفی، اخلاقی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، حقوقی و... موردنظر واقع شود. با این حال، نظام بین‌الملل حقوق بشردوستانه در شورش‌های داخلی از این ناحیه قابل تبیین است که ماهیت رسیدگی به آن را قوانین داخلی و حقوق بشری تشکیل می‌دهد. ولی به‌صورت استثناء حقوق بشردوستانه نیز حق ورود به وضعیت‌های شورش‌ی در داخل کشورها را پیدا می‌کند.

نقش حقوق بشردوستانه در شورش‌های داخلی چیست؟ و یا هم موارد استثنائات که باعث ورود نهادهای حامی حقوق بشردوستانه می‌شود کدام موارد را دربر دارد؟ از نکته‌های اصلی و بنیادی این تحقیق خواهد بود. بناً در این تحقیق تلاش بر این است که باتوجه به مفاهیم کلی تحقیق آغاز وبا مسئله‌یابی و جستجوگری تحقیقی عنوان جایگاه حقوق بشردوستانه در شورش‌های داخلی را قواعد مسلم بر درگیری‌های داخلی و مسئله استثناسناسی از مواردی است که می‌تواند این تحقیق را به منزل مقصود برساند.

۲. مفهوم شناسی حقوق بشردوستانه و شورش‌های داخلی

مسئله حقوق بشردوستانه و شورش‌های داخلی بی‌گمان واژه گان نسبتاً جدید و ناآشنا در زمینه حقوق بشردوستانه‌اند. چنانچه معلوم است؛ اصطلاح حقوق بشردوستانه و شورش‌های داخلی در اسناد و متون بین‌المللی اصلاً موردتوجه قرار نگرفته، از همین رو است که موارد دانستنی فوق‌العاده گسترده بوده که در ذیل تلاش می‌شود تا باتوجه به مسئله، موارد را به‌قدر نیاز تعریف نمایم.

الف) مفهوم حقوق بشردوستانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۱ یا حقوق بشردوستانه بین‌المللی که به «حقوق جنگ» یا «حقوق مخاصمات مسلحانه»^۲ نیز شناخته می‌شود، مجموعه‌ای از قوانین است که به دنبال روش‌های بشردوستانه، برای محدود کردن اثرات مخاصمات مسلحانه است. این شاخه از حقوق افرادی را که در مخاصمه مشارکت ندارند یا در حال حاضر از جنگیدن کناره‌گیری کرده‌اند، محافظت کرده و روش‌های مخاصمه را محدود می‌کند (Sassòli, Marco, Bouvier, Antoine A., Quintin, Anne. (2001). P.93). به عبارت دیگر، حقوق بین‌المللی بشردوستانه می‌کوشد که با وضع مقرراتی از خشونت بی‌اندازه در جنگ‌ها جلوگیری کند. برای رسیدن به این منظور، حقوق بشردوستانه حق دولت‌ها را در استفاده از سلاح‌ها و روش‌ها جنگ محدود و از قربانیان درگیری‌های مسلحانه حمایت می‌کند (محمد زاده و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۸۵-۸۶).

باتوجه به بیانات و تعاریفات فوق نظام بین‌الملل حقوق بشردوستانه را می‌توان چنین تعریف کرد: حقوق بین‌الملل بشردوستانه شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است که با وضع قوانین و مقررات در زمان جنگ در جهت کاهش خشونت‌ها تلاش می‌نماید تا زیان‌های جانی و مالی را به حد اقل برساند.

نکته دیگری که در بحث مفهوم حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل تأمل است؛ این‌که تفاوت‌های میان نظام بین‌الملل حقوق بشر و بشردوستانه وجود دارد یا خیر؟ تفکیک میان این دو رشته فوق‌العاده حیاتی و مهم است. در حالی‌که در برخی از قوانین آن‌ها مشابه به یکدیگر است؛ زیرا هر دو دربرگیرنده قواعد ناظر بر حمایت از افراد

^۱International humanitarian law,

^۲The rights of war

^۳Laws of armed conflict

هستند. با این حال، تفاوت‌های مهمی بین این دو نیز وجود دارد. به ویژه این که حقوق بشر، برخلاف قوانین بین‌المللی بشردوستانه، در زمان صلح اعمال می‌شود و بسیاری از مفاد آن ممکن است در جریان یک مخاصمه مسلحانه به حالت تعلیق درآید. به علاوه، حقوق بشر در چارچوب حقوقی رابطه بین دولت و شهروندان اعمال می‌شود اما حقوق بشردوستانه عموماً و نه همیشه، به رابطه بین دولت و شهروندان دشمن آن دولت مرتبط است (فلک، دیتز، ۱۳۸۷، ص. ۳۰). با این وجود، حقوق بشردوستانه مجموعه قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل است که ضمن تعیین حقوق، حمایت افراد انسانی اعم از رزمندگان و غیر رزمندگان (غیر نظامیان)، اموال غیرنظامی و حقوق طرف‌های متخاصم را در مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی یا غیر بین‌المللی تکالیف افراد انسانی و طرف‌های متخاصم را نیز در آن مخاصمات مشخص می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶).

رابطه نظام بین‌الملل حقوق بشر با حقوق بین‌الملل بشردوستانه رابطه انسانی مشترک است. نظام بین‌الملل حقوق بشر معمولاً جنبه عمومی داشته که می‌تواند در زمان جنگ و صلح فعال باشد. ولی حقوق بین‌الملل بشردوستانه تنها زمانی اعمال می‌شود که جنگ در میان باشد. با آن که قبلاً اشاره شد که رابطه حقوق بین‌الملل بشردوستانه معمولاً رابطه میان دولت‌ها به صورت متقابل است، با وجود این، ما در صدد آنیم تا زمینه‌های استثنایی ورود حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمینه کنترل خشونت میان دولت و ملت نیز به بحث گرفته مسئله را به خواست مطلوب برسانیم.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه در موقعیت‌های مخاصمات مسلحانه اعمال می‌شود. حقوق بین‌المللی بشردوستانه به این موضوع که آیا یک کشور قانوناً می‌تواند از نیروی نظامی استفاده کند نمی‌پردازد، بلکه این امر توسط یک بخش مهم اما متفاوت از

حقوق بین‌الملل که در منشور سازمان ملل متحد تجلی یافته‌است، اداره می‌شود (Kuster, Etienne. (2016), P. 27 Mezler, Nils &).

ب) تعریف شورش و شورش‌های داخلی

در متون حقوقی و اسناد بین‌المللی هیچ‌گونه تعریف مورد اتفاق در میان اسناد و اندیشمندان این حوزه از شورش، در سطح ملی و بین‌المللی بیان نشده است. با توجه به دکتترین و قرینه‌های قابل بیان می‌توان به چند تعریف ذیل اشاره کرد:

در حقوق بین‌الملل کلاسیک و مدرن از اصطلاحاتی در کنار اصطلاح شورش استفاده شده که تمیز آن‌ها از یکدیگر ضرورت است. در حقوق بین‌الملل عرفی، پیش از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، میان «آشوبگران» و «شورشیان» تفکیک قائل می‌شدند. کنوانسیون چهارم لاهه مصوب ۱۹۰۷، هر چند در ماده ۲ از واژه «Belligerent» استفاده کرده. این اصطلاح به معنای طرف مخاصمه به کار رفته که در آن چارچوب باید یک دولت عضو باشد، نه گروهی که دست به مبارزه علیه دولت می‌زند. در واقع اصطلاح «Belligerent» امروزه در دو معنا به کار برده شده است: یکی به معنای طرف متخاصم که به شورش‌های درگیر در جنگ اطلاق می‌شده؛ و دیگر گروه‌های مبارزی که هاین شرایط خاص^۳ شده باشد (ضیایی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۸-۱۷۹).

^۱insurgents

^۲belligerents

^۳ این شرایط از نظر لوتر پاخت عبارت بودند از: (۱) منازعه نظامی باید در عموم سرزمین (و نه قسمتی از سرزمین) وجود داشته باشد (۲) شورشیان باید قسمتی از سرزمین را تحت تصرف و مدیریت داشته باشد (۳) شورشیان باید با مبارزان طبق حقوق جنگ عمل نمایند و تحت نظام فرماندهی مسئول قرار داشته باشند. (۴) باید شرایطی وجود داشته باشد که کشورهای خارجی منافع خود را با شناسایی شورشیان تعریف کنند.

با این وصف، اصطلاح شورشی در اثر گذر زمان توسعه یافته و سایر اصطلاحات قابل تأمل در این زمینه را در بدنه خود جای داده است که واضعان حقوق بین‌الملل معاصر، در پروتکل از اصطلاح نیروهای مسلح مخالف استفاده کرده‌اند. علت این کاربرد، پرهیز از بار معنایی مستتر در واژه شورشی است که القای شناسایی آن‌ها را به‌عنوان یک وجودیت فعال در حقوق بین‌الملل با خود دارد. در حوزه حقوق غیر قراردادی حقوق بین‌الملل، شورشی زمانی مصداق می‌یابد که گروه مبارز به رسمیت شناخته شود؛ ولی قبل از شناسایی اصطلاح آشوبگر مورد نظر است که در واقع معرف گروه شورشی عملیات‌های آشوبگراییانه گروه‌اند. هرگاه گروه مبارز به‌طور ضمنی یا صریح از سوی دولت مرکزی یا دول ثالث مورد شناسایی قرار گیرد وضعیت تغییر یافته شورشی نامیده می‌شوند. که حق مطالبه حقوق خود را طبق پروتکل دوم خواهد داشت که از این زمان به آن “Belligerent” گفته می‌شود (همان، ص. ۱۷۹).

به‌زعم یکی از نویسندگان، هرگاه اشخاص یا گروه‌های انسانی اعم از شهروند یا بیگانه به‌طور دسته‌جمعی و صرف نظر از هدف و منظوری که دارند، مسلحانه یا غیر مسلحانه، علیه حکومت قانونی بپا خیزند و با تظاهرات و راه‌پیمایی و سایر اقدامات علنی مخالفت خود را با حکومت قانونی اعلام کنند و موجب برهم زدن آرامش، امنیت و نظم عمومی جامعه گردند، در مقابل مواجهه با اقدامات سرکوب‌گرایانه و برخوردهای خشونت‌بار نیروهای انتظامی شوند؛ در این صورت آشوب یا شورش داخلی تحقق یافته است. آشوب‌ها یا شورش‌های داخلی ممکن است با توجه به شرایط به درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی (داخلی) یا بین‌المللی شده تبدیل گردند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶، ص. ۵۵).

امروزه آشوب‌های بپا خاسته در کشورهای تونس، مصر، بحرین، یمن و سوریه، معروف به «بهار عربی» در زمره آشوب‌ها و شورش‌های داخلی است. البته طبق اعلام

رسمی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ماه مه ۲۰۱۲، شورش داخلی سوریه به جنگ داخلی (غیر بین‌المللی) تبدیل شده است (پله، ۱۳۸۳، ص. ۸۲-۸۵).^۱

۳. قواعد حاکم بر شورش‌های داخلی

فعالیت گروه‌های شورشی از آن‌جا که محدود به جغرافیای کشورشان است و اهداف سیاسی خویش را از دولت مرکزی طلب دارند، قواعد حاکم بر رفتار و فعالیت آن‌ها نیز حقوق داخلی و نظام بین‌المللی حقوق بشر است.

آشوب‌ها و شورش‌های داخلی اصولاً تنها تابع حقوق (قوانین) داخلی هر کشور و حقوق بین‌الملل بشر هستند. با وجود این، حتی بخش مهمی از مقررات حقوق بین‌الملل بشر، یعنی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ می‌تواند توسط هر کشور طرف متعاقد در وضعیت‌های آشوب و شورش داخلی به حالت تعلیق در آید.^۲ این خود،

^۱ نویسنده‌ای شورشیان را بنا بر ماهیت آن‌ها به سه دسته تقسیم می‌کند: الف) شروشیان سکولار که معمولاً به دنبال نوعی جبران باری شاداند مستحدث که ناشی از کمبودهای مادی است هستند. این شاداند ممکن است ادعایی بر تبعیض در سیاست، مالیات و یا تقسیم نا عادلانه منابع طبیعی، ب) شورشیان غیر سکولار یا مذهبی که برای تبعیض‌های دینی - مذهبی یا سرکوب مذهبی به پا خاسته‌اند. مانند: هندوها و یا مسلمانان در طول تاریخ. ج) شورشیان برنامه‌ریزی شده (programmatic) یا ایدئولوژیک که مبتنی بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اصول و تئوری‌ها هستند، آن‌ها به دنبال تغییر وضع اجتماعی هستند، مانند: مارکسیست‌ها و مائوئیست‌ها. از نظر این نویسنده، شورشیان سکولار کم‌تر به نقض حقوق بشر دوستانه تن می‌دهند و لذا؛ از سوی دولت‌ها به‌عنوان گروه تروریستی معرفی نمی‌شوند و این دسته آمادگی لازم برای مذاکره و صلح را دارا هستند؛ در حالی که دو دسته دیگر برای رسیدن به اهداف خود از هر ابزاری بهره می‌جویند، تروریست شناخته می‌شوند و پای میز مذاکره نمی‌نشینند.

Hamis, A.W., Human Rights and the Mediation of Insurgent Conflict, Prepared for presentation at the 46th Annual Conference of the International Studies Association, San Francisco, CA, March 26-30, 2008. p. 5.

^۲ ماده ۳ مشترک عهدنامه‌های چهارگانه ژنو که اجرای آن مقررۀ خاص در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی است، آشوب‌ها و شورش‌های داخلی را در بر نمی‌گیرد، چرا که اصولاً میان آنها تمایز و تفاوت وجود دارد. مخصوصاً این که بعدها در سال ۱۹۷۷، با انعقاد پروتکل دوم الحاقی به آن عهدنامه‌ها که خاص درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی است، تمایز میان این نوع درگیری‌ها و آشوب‌ها و شورش‌های داخلی به صراحت آشکار گردید. طبق بند ۲

محدودیت درخور نگرش بر اجرای مقررات حقوق بشر در وضعیت‌های اضطراری و فوق‌العاده، از جمله آشوب‌ها و شورش‌های داخلی وارد می‌کند. مخصوصاً این‌که تشخیص چنین وضعیت‌های با دولتی است که در قلمرو آن، آشوب و شورش به وقوع پیوسته است (بیگدلی، ۱۹۶، ص. ۵۶).

با توجه به توصیف ارائه شده می‌توان چنین برداشت نمود که شورش‌های داخلی جزء از رفتارهای سازگار و یا هم ناسازگار در امور داخلی کشورها بوده و حضور فعالیت‌های بشردوستانه در حکم مداخله در امور داخلی به حساب می‌آید، با وجود آنکه حیطة فعالیت و رسیدگی این رشته تعریف شده است که به ندرت می‌توان در قوانین داخلی این موارد را یافت.

۴. شرایط اجرای حقوق بشر دوستانه در شورش‌های داخلی

همان‌طوری که در بالا بیان شد، قانون حاکم بر فعالیت‌های شورشیان، قانون داخلی و نظام بین‌الملل حقوق بشر تعریف شده است. ولی نکته قابل توصیف در این نسخه امور استثنایی است که زمینه ورود حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در شورش‌های داخلی مساعد می‌سازد. طبق نظریه تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و رویه دادگاه کیفر بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، در شرایط خاص و استثنایی زیر حداقل قواعد حقوق

ماده ۱ آن پروتکل، «این پروتکل نباید در مورد وضعیت‌های آشوب و تنش‌های داخلی، همچون شورش‌ها و اعمال خشونت بار انفرادی و پراکنده و دیگر اعمال با ماهیت مشابه که در حد درگیری مسلحانه [غیر بین‌المللی] نمی‌باشند اعمال گردد.»

بنابراین، اصل بر این است که آشوب‌ها و شورش‌های داخلی تابع قواعد نظام داخلی و نظام بین‌الملل حقوق بشر بوده که استثناء و در شرایط خاص، تابع قواعد حداقلی مقرر در ماده ۳ مشترک می‌باشند.

این تحول بنیادین مرهون تفسیر مترقیانه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و رویه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق است. در خصوص عرفی شدن موضوع جای تردید است. اما تاسف آور این که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به آشوب‌ها و شورش‌های داخلی اعمال نمی‌شود.

بشردوستانه مقرر در ماده ۳ مشترک عهدنامه‌های چهارگانه قابلیت اجرایی پیدا می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶، ص. ۵۸).

(۱) چنانچه نیروهای مسلح نظامی با سلاح‌های سنگین و در جهت قلع، قمع، سرکوب و کشتار شهروندان غیرنظامی یا افراد و گروه‌های مسلح مخالف دولت وارد عملیات شوند.

مسئله از شدت علمیات‌های نیروهای مسلح نظام حاکم علیه شورشیان است، اینجا نکته قابل تأمل آنجاست که ممکن مصادیق از جنایات بین‌المللی به وقوع پیوندد. حالا می‌تواند یک جنایت جنگی صورت بگیرد یا هم یک علمیات تعریف شده نسل‌کشی رقم بخورد و یا هم سایر جنایات قابل تصور در زمان جنگ. بنابر این، در صورت درک چنین وضعیتی با توجه به مفاد ماده سوم مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه حقوق بشردوستانه حق دارد تا در زمینه کنترل و یا هم متوقف ساختن آن وارد عرصه عمل می‌گردد و برای بهبود وضعیت از هیچ نوع تلاش و فعالیتی دست بردار نمی‌باشد.

(۲) چنانچه آشوب و شورش داخلی، ویژگی خودجوش، اتفاقی و ناگهانی داشته باشد و تحت کنترل یک رهبر سیاسی نباشد و منجر به دستگیری گسترده عوامل شورش شود.

مورد دیگری که ممکن است، حقوق بین‌الملل بشردوستانه وارد شود، مسئله اتفاقی و خود جوش بودن جریان شورش است که منجر به دست‌گیری گسترده شورشیان گردیده و زمینه یک حکومت دیکتاتوری در آینده نه چندان دور متصور باشد، در این صورت نظام بین‌الملل حقوق بشردوستانه در جهت حمایت از حقوق شهروندی شورشیان و رهایی آنان از بند وارد عرصه عمل گردیده، زمینه را طوری طراحی می‌نماید که ملت‌ها بتوانند از وضعیت خویش دفاع و برای به‌زیستی تلاش بیشتری نمایند.

۳) چنانچه آشوب یا شورش داخلی بنیان‌های دولتی را به خطر اندازد و با عملیات پلیسی و بدون مداخله ارتش مهار نشوند.

این وضعیت بر عکس قاعده فوق است که شورشیان در وضعیت قرار بگیرند که امکان به خطر افتادن سرزمین به معنای عام کلمه شده باشد، یا ملت به دلیل عدم مساعد بودن فضایی زیستی مجبور به مهاجرت و ترک مسکن و مأوایی خود شوند، و یا هم حاکمیت به معنای بنیاد آن زیر سؤال رفته و نتواند جایگاه خویش را حفظ بدارد؛ آنجاست که نظام بین‌الملل حقوق بشردوستانه حق ورود را به خود داده جهت دریافت جایگاه و حمایت از آسیب دیدگان وارد عرصه داخلی شده به فعالیت آغاز می‌نماید. حالا نکته قابل تأمل این‌جاست، افغانستان چرا از این امر مستثنا مانده و شورش‌های که در حدود شش (۶) دهه به طول انجامید چگونه قابل تأمل است. آیا هیچ‌وقت شورشیان بنیادهای دولت و دولت مداری را زیر سؤال نبرده‌اند. از آنجا که پیداست در طول تاریخ درگیری‌های داخلی در افغانستان مستقل نبوده و وابستگی‌های فوق نظامی را داشته مانع ورد نظام بین‌الملل حقوق بشردوستانه در درگیری‌های داخلی افغانستان شده است.

۴) چنانچه آشوب و شورش مسلحانه داخلی مدت زمانی طولانی ادامه داشته باشد.

در مجموع، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ معتقد است که ماده ۳ مشترک در موقعیت‌های آشوب و بحران‌های داخلی نیز قابل اجراست. هرچند که اجرای این ماده در موقعیت‌های یاد شده نامحدود کننده حق دولت‌ها در سرکوب آشوب می‌باشد و نه موجب قدرتی اضافی برای آشوب‌گران. از نظر کمیته ماده ۳ مشترک جز یادآوری چند قاعده «حداقلی» نیست که در قوانین داخلی بیشتر دولت‌ها مقرر شده و رعایت آن در هر اوضاع و احوالی واجب است.

در مقابل کشورهای آشوب زده که ملتزم به رعایت قواعد حداقلی حقوق بشردوستانه در قبال شورشیان هستند. شورشیان نیز این تعهد و التزام را دارند. مبنای حقوقی این التزام میتواند این قواعد باشد: قید قسمت اخیر بند ۱ ماده ۱ پروتکل ۲ الحاقی مبنی بر «توانایی قوای مسلح مخالف به اجرای پروتکل؛ اعلامیه یک جانبه گروه‌های مخالف مبنی بر رعایت حقوق بشردوستانه؛ امره بودن مقررات ماده ۳ مشترک و بالاخره، این قاعده که بنابرآن، تعهد یک کشور به رعایت حقوق بین‌المللی، از جمله حقوق بشردوستانه، متضمن تعهد اتباع آن کشور و حتی بیگانگان مقیم در آن کشور، از جمله شورشیان است.»

۵. رابطه شورشیان با تروریسم

نکته دیگری قابل توجه در اینجا، رابطه شورشیان با تروریسم است که اکثراً این دو اصطلاح را به صورت مترادف به کار می‌برند، در حالیکه شورشیان معمولاً به مخالفان سیاسی اطلاق می‌شود که بعد از پایان جنگ به نحوی لقب افتخار کسب نموده قهرمان می‌شوند، ولی تروریسم هیچ زمانی ماهیت عملکرد شان تغییر وضعیت نداشته و تنها عاملان برنامه‌های دیگران خواهند بود. شورشیان عمدتاً برای نیل به غایات خود دست به اعمال تروریستی می‌زنند، اما لزوماً تمام اقدامات مسلحانه شورشیان در طول مبارزه تروریستی نیست. به‌علاوه بسیاری از اقدامات تروریستی از سوی خود دولت مرکزی علیه غیر نظامیان صورت می‌گیرد. به‌عبارت دیگر نه تمام اقدامات شورشیان تروریستی است و نه تمام اقدامات تروریستی از جانب گروه‌های سازمان‌یافته‌ای که مشمول تعریف شورشیان شود صورت می‌گیرد (ضیایی، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۰). شورشیان معمولاً خاصیت خودجوشی انقلابی داشته و معمولاً به دنبال حقوق و عدالت اجتماعی بوده که برخاسته از ارزش‌های اجتماعی ملی اند. اما تروریسم معمولاً مزدوران سیاسی

اجیر شده کشورها جهت رسیدن به اهداف شان اند که هیچ ارزشی در میان تروریستان قابل تعریف نیست.

۶. نتیجه گیری:

حقوق بشردوستانه بین‌المللی مجموعه‌ای از اقدامات حمایتی است که هر فرد در زمان جنگ می‌تواند برخوردار شود یا به سخن دیگر نظام بین‌الملل حقوق بشردوستانه مجموعه قواعد محدود کننده جنگ است تا بتواند خشونت‌ها را به حداقل رسانده، نهایت حمایت را از افراد و طرف‌های درگیر داشته باشد. حقوق بشردوستانه اصولاً حاکم بر شورش‌ها و یا جنگ‌های بین‌المللی یا بین‌المللی شده بوده و شورش‌های داخلی تابع قوانین داخلی و نظام بین‌الملل حقوق بشر اند. ولی استثنائاً نظام بین‌الملل حقوق بشردوستانه در شرایط خاص جهت کنترل و به حداقل رساندن بحران می‌تواند ورود پیدا نماید. با توجه به توسعه موازین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و دورنمایی انسانی کردن شورش‌ها و ناآرامی‌ها داخلی می‌توان گفت رهیافت انسان‌محور در این حوزه شکل گرفته که دولت‌ها را ملزم به رعایت اصول و قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه در وضعیت‌های اضطراری به ویژه شورش‌های داخلی می‌کند. با این حال، نظام بین‌المللی حقوق بشردوستانه، با وجود تلاش‌های قابل توجه، در مواجهه با پیچیدگی شورش‌های داخلی با چالش‌های جدی روبه‌رو است.

منابع و مأخذ:

قرآن عظیم الشأن

الف) منابع فارسی

۱. فلک، دیتر، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، با اهتمام و ویرایش: دکتر سید قاسم زمانی، دکتر نادر ساعد. (۱۳۸۷). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۲. ضیایی بیگدلی، محمد رضا، حقوق بین الملل بشر دوستانه، با همکاری کمیته بین المللی صلیب سرخ. (۱۳۹۶ هـ.ش). تهران: گنج دانش
۳. کیک دین، نگوین، پاتریک، دیه و آلین، پله، (۱۳۸۳) حقوق بین الملل عمومی. ترجمه؛ حسن حبیبی، تهران: نشر اطلاعات
۴. دهباز، عبدالمنان (۱۳۹۵). ریشه‌های جنگ افغانستان. کابل: انتشارات سعید
۵. ضیایی، سید یاسر (۱۳۸۹). تأملی بر وضعیت شورشیان از منظر حقوق توسل به زور. فصلنامه حقوق بین المللی، ۴۲، ۱۹۰-۱۶۷
۶. کرباسی، منصور، منصوری، سعید، قهرمان نژاد شایق، بهاء الدین (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی رعایت اصول بنیادین حقوق بشردوستانه در سیره نظامی پیامبر اعظم (ص) و جهان معاصر (قرن بیستم). فصل نامه مدیریت نظامی، ۱۹ (۳)، ۱۶۷-۱۴۱
۷. محقق داماد، سید مصطفی (بی تا). مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه. فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۲۱۹-۲۳۲
۸. حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۶). فرادینی یا دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه. فصل نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۶ (۱۳)، ۱۱۴-۸۳

۹. پیری، حیدری (بی‌جا). فراز و فرود حاکمیت در مقابله با شورش‌ها و نا آرامی‌های داخلی در پرتوی حقوق بین‌المللی. بی‌جا، ۷۸-۵۴
۱۰. حبیب‌زاده، توکل (۱۳۸۶). حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و مبارزه با تروریسم. فصلنامه معارف اسلامی و حقوق، شماره اول (۱)، ۹۸-۶۱
۱۱. حبیبی، علی فقیه (۱۳۹۵). جایگاه حقوق بشر دوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی. فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶(۲)، ۱۰۳-۸۱
۱۲. هنکرتس، رضانی قوام‌آبادی (۱۳۸۵). اهمیت کنونی حقوق عرفی در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه. فصلنامه حقوقی دادگستر ۵۴، ۲۰۰-۸۹
۱۳. علیخانی، علی‌اکبر، (۱۳۸۸). حقوق بشردوستانه در اسلام. فصلنامه حقوق بشر، ج. ۴ (۱). ۱۸-۳
۱۴. محمدزاده، ناهیده؛ فرادینی و یا دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، ۱۳۹۶
۱۵. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (۱۳۹۶). حقوق بین‌المللی بشردوستانه (پاسخ به پرسش‌های شما). بی‌جا.



(ب) منابع انگلیسی

1. Sassòli, Marco, Bouvier, Antoine A. , Quintin, Anne. (2001). How Does Law Protect in War? (3rd edition). V ol.1, Geneva, Switzerland: ICRC.
2. Mezler, Nils & Kuster, Etienne. (2016). International Humanitarian Law: a Comprehensive Introduction, Geneva, Switzerland: ICRC.
3. United Nations. International Humanitarian law. Jadue Kecin Riordan. 24 April- 19 May 2017
4. ICRC (2004). What is International Humanitarian Law. Advisory Service on International Humanitarian law.
5. Hamis, A.W(2008). Human Rights and the Mediation of Insurgent Conflict, Prepared for presentation at the 46th Annual Conference of the International Studies Association, San Francisco, CA, March 26-30